

انقلاب اسلامی ایران، نظام بین الملل و نظریه انتقادی

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۵/۰۴

عنایت الله یزدانی *

داریوش قاسمی **

صفی الله شاهقلعه ***

چکیده

انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای سیاسی- فرهنگی پویا و رویدادی عمده در تحلیل نظام بین‌الملل با خط و مشی انقلابی ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل را به چالش طلبیده و با ارائه اصل عدالت‌محوری و خداجویی در پی جایگزین کردن حقیقت اخلاق و دیانت در ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل بوده و با ایدئولوژی اسلامی خود مبنی بر اصول عابد و معبود و دنیا و آخرت ساختار حاصل از تقابل نظام کمونیسم- سرمایه‌داری را بر تقابل ماتریالیسم و معنویت‌گرایی تغییر داده و با رویکردی ارزشی- انقلابی و با نفی وضع موجود خواستار ایجاد نظامی کارکردی خارج از سیستم منبعث از قدرت. ساختار، کارکرد و گفتمان حاکم را نه جوابگوی سرشت بشر بلکه عامل به بند کشیدن انسانیت می‌داند و با پشتیبانی از حرکت‌های رهایی‌بخش و ترویج استبدادستیزی و استکبارستیزی، مستضعفان را نوید خلیفه الهی می‌دهد. سؤال اصلی تحقیق این است که، همان‌گونه که نظریه «انتقادی» به دگرگونی اجتماعی، چه در سطح داخلی و چه در سطح نظام بین‌الملل علاقه‌مند است، انقلاب اسلامی در چه دگرگونی در سطح داخل و نظام بین‌الملل داشته است؟ در این مقاله سعی شده است از طریق روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای- اینترنتی به این سؤالات پاسخ داده شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی با شعار محوری «نه شرقی- نه غربی» ضمن سعی بر حفظ ام‌القری، صدور انقلاب را مبنای حرکت عدالت‌محور خود قرار داده و ضمن طرد قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل خواستار ایجاد نظم منتهی به حقیقت بود.

واژگان کلیدی

نظریه انتقادی، انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل، تغییر وضع موجود، صدور انقلاب و ام‌القری

* دکتری روابط بین‌الملل و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

yazden2006@yahoo.com

dvdghasemi@gmail.com

info.shahghaleh@gmail.com

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

*** کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

مقدمه

انقلاب یکی از پدیده‌های «عظیم» و «نادر» در حیات اجتماعی به‌شمار می‌رود. نادر بودنش سبب ضعف در شناسایی و عظیم بودنش باعث موضع‌گیری‌های متناقض در برابر آن گردیده است. نکته مهمی که باید همواره در تحلیل این پدیده مدنظر قرار دهیم، اصل تنوع و کثرت در ماهیت انقلاب‌هاست. به‌عبارت دیگر، هر انقلابی را ماهیتی است که نشانه هویت و نیت مطلوب و مورد توقعش محسوب می‌شود. بنابراین در تحلیل، تبلیغ و معرفی هر انقلابی باید توجه به جمیع جهات رعایت شود و تا حد مقدور با احتیاط در مورد وضعیت کنونی و آتیه‌اش اظهارنظر گردد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، به دلایل گوناگونی دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است؛ اول یک انقلاب بزرگ و تمام‌عیار و مطابق با تعاریف انقلاب، در ایران رخ داده و با انقلاب فرانسه و روسیه قابل مقایسه است؛ دوم، دارای داعیه بین‌المللی و فرامرزی و بشری است و پسوند «اسلامی» انقلاب ایران هم این انتظار را ایجاد می‌کند؛ سوم، موقعیت ملی استراتژیک و سوق‌الجیشی و موقعیت حساس منطقه‌ای ایران، یعنی خلیج فارس و خاورمیانه موجب می‌شود که هرگونه تغییرات ساختاری در ایران دارای تأثیرات منطقه‌ای باشد (برزگر، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

انقلاب اسلامی در ایران به‌دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بوده است. نظم نوینی را که انقلاب اسلامی در پی آن بود، می‌توان طلیعه‌ای از یک نظام جهانی با محوریت عدالت دانست. این نظم که با دو رویکرد اتحاد مسلمین و جهان‌سوم‌گرایی قابل تفکیک است. صدور انقلاب با راهکار حمایت از مستضعفان، با عنوان جهان‌سوم‌گرایی جنبشی فراتر از امت واحده راه انداخت که به پویایی اندیشه‌های انقلاب اسلامی و صدور انقلاب مدد رساند.

نتایج این انقلاب منجر به دگرگونی و تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی، و جایگزینی نظامی با اهداف، ارزش‌ها و ساختاری متفاوت از قبل بود، به‌طوری که در مدت کوتاهی توجه دانشمندان و صاحب‌نظران برجسته جهان را به خود جلب کرد. قطعاً عواملی مانند زمان، مکان وقوع، ایدئولوژی، میزان موفقیت، اثرات بین‌المللی،

هویت و ماهیت دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی و عواملی دیگر در توجه به انقلاب اسلامی موثر بوده است (عیوضی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

۱. مبانی

این تحقیق سعی در بررسی دو مقوله انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل داشته تا ضمن تفکیکی اصولی متغیرهای اثرگذار همچون گفتمان غالب، ساختار غالب، اهداف و اصول، ایدئولوژی حاکم، هویت، ارزش‌ها، ایستارها و قواعد حاصل از نظم دو قطبی بتوان دیدگاه منسجم‌تری در قبال تحولات زمانی خود ارائه دهد. برای این منظور سؤال زیر طرح شده است:

همان‌گونه که نظریه «انتقادی» به دگرگونی اجتماعی، چه در سطح داخلی و چه در سطح نظام بین‌الملل علاقه‌مند است، انقلاب اسلامی در چه دگرگونی در سطح داخل و بین‌الملل نقش داشته است؟

پاسخ اولیه (فرضیه) ای که در جواب سؤال‌ها تحقیق مطرح شده این است که: «انقلاب اسلامی با نقد وضع موجود در ساختار داخلی و نظام بین‌الملل و نیز با تأکید بر سنت‌های موجود و با عقلانیتی جدید (مقرون ساختن عقل و دین و اخلاق) برای تغییر نگرش و عملکرد دولت‌ها و نیز رهایی بخشیدن ملت‌ها از قیدوبندهای ساختار مسلط جهانی، می‌تواند نمونه مناسبی برای تبیین نظریه انتقادی باشد».

نوع تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش‌های گوناگون و به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت پذیرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز عمدتاً با شیوه تحلیل کیفی انجام پذیرفته است.

۲. ابعاد نظری

۲-۱. نظریه انتقادی

تمامی تحقیقات کاربردی نیازمند چارچوب یا مدلی مفهومی هستند که بتوان بر اساس آن به بررسی ابعاد موضوع و ارتباط بین متغیرهای تحقیق پرداخت (ادواردز و

همکاران، ۱۳۷۹، ص ۳۲). پژوهش ارائه شده نیز به بررسی انقلاب اسلامی ایران از بعد نظریه انتقادی خواهد بود.

نظریه انتقادی به رگم ریشه‌های متعدد آن رابطه بسیار نزدیکی با مجموعه افکاری دارد که تحت عنوان مکتب فرانکفورت شناخته شده و شامل مجموعه متنوعی از اندیشه‌های افرادی نظیر آدورنو، هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و دیگران است. در نگاه وسیع‌تر تاریخی همان‌گونه که دوتاگ اشاره می‌کند، علاقه هنجاری نظریه انتقادی در تعیین امکان ذاتی تغییر شکل اجتماعی، ویژگی محدودکننده خط فکری است که حداقل از کانت و مارکس تا نظریه‌پردازان انتقادی معاصر نظیر هابرماس تداوم داشته است (Devetak, 1996, p.147). هدف پروژه «انتقادی» نظریه انتقادی آن نیست که سؤال کند چرا جهان به این سو گام برداشته است بلکه بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که چگونه جهان می‌تواند چیزی غیر از آنچه است، باشد؟

با این همه، تأکید بر این نکته مهم به نظر می‌رسد که مکتب فرانکفورت به ندرت به خود زحمت مخاطب قرار دادن حوزه روابط بین‌الملل را داده است. این نظریه مورد توجه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، در واقع، هجوم روشنفکرانه‌ای به شیوه‌های سنتی جامعه‌شناسی بوده است. در مطالعات کنونی روابط بین‌الملل، دانشمندان متعددی نظیر اندروولنیکلیتر، رابرت کاکس، مارک هافمن و دیگران هستند که به نظریه انتقادی بین‌الملل مربوط و صورت‌بندی جهانی روابط قدرت را به‌عنوان هدف خود برگزیده‌اند و در مورد چگونگی ایجاد این صورت‌بندی‌ها، هزینه‌های ایجاد آن و سایر احتمالاتی که در تاریخ بدون تغییر باقی می‌مانند، سؤال می‌کنند (Devetak, 1996, p.151). چنین تأکیدی آشکارا رابطه نزدیک بین قدرت و امنیت را در درک معمول روابط بین‌الملل و همچنین تناسبی که در چارچوب مطالعات رایج از ابتدا باید مشخص باشد، زیر سؤال می‌برد. برای نظریه‌پردازان انتقادی، اهمیت تأثیر بین‌المللی شدن تولید بر ساختار کشورها به اندازه اهمیت منازعه بین کشورها، برای واقع‌گرایی است.

نظریه انتقادی بین‌المللی در مورد مسائل مربوط به امنیت به‌طور خاص متوجه جهت‌گیری وضع موجود واقع‌گرایی و نیز این واقعیت بوده که «تأکید بر ابزارهای رسیدن به هدف است تا ارزشمندی خود هدف» (Devetak, 1996, p.152). واقع‌گرایی

به علت تک‌بعدی بودن (از لحاظ دولت‌محوری و نظامی‌گری) مورد انتقاد قرار گرفته است؛ هرچند که در سطحی عمیق‌تر نیز به علت دفاع از سرکوب سیاسی نیروهایی که نشان دادند الگوهای جدید توسعه تاریخی هم امکان‌پذیر است، مورد نقد واقع شده است (Linklater, 1990, p.3). واقع‌گرایی احتمالی تغییر را در نظر نمی‌گیرد. بنابراین هیچ مبنای فلسفی برای مفهوم‌سازی مجدد امنیت نیز فراهم نمی‌آورد. در واقع، دستورکار نظری واقع‌گرایی از شفافیت مفهومی امنیت حمایت می‌کند و این شفافیت، دستور کار روابط بین‌الملل را بنیان می‌نهد. اگر ما دولت را به لحاظ هستی‌شناسی به عنوان موجودیت برتر و تنها مرجع شایسته حفظ امنیت در روابط بین‌الملل بدانیم، در واقع به قول گرامشی از نیروی مسلطی که ما را از تحلیل ناامنی تجربه شده توسط افراد، گروه‌ها و جوامع در سطح فروملی باز می‌دارد، حمایت کرده‌ایم. بنابراین، نظریه انتقادی به بقاء و وجود نیروهای ضد استیلا و همچنین تعدیل امنیت مسلط و گفت‌وگوهای توسعه معتقد است و بدین ترتیب به فهم‌های متفاوت از امنیت و اینکه چه چیزی باید امن شود، کمک می‌کند. چنین وضعی در تسکین نومیدی ضمنی واقع‌گرایی، امری حیاتی است زیرا رفتار عقلانی در فضایی آشفته، هم بی‌اعتمادی و ناامنی فراوان ایجاد می‌کند و هم تهدیدی برای همه دولت‌هاست (Linklater, 1990, p.12).

در روابط بین‌الملل و نظریه انتقادی، نباید تأثیر ضدیت آنتونیو گرامشی با مارکسیسم ساختارگرا را فراموش کرد. گرامشی همانند دیگر متفکران مکتب فرانکفورت علاقه‌ای به مفصل‌نویسی درباره روابط بین‌الملل نداشت، اما به عنوان کسی که به دنبال پیشرفت انقلاب در کشورهای سرمایه‌داری بود، عقایدش درباره دولت تأثیر مهمی بر روابط بین‌الملل امروز داشته است. برای گرامشی، کشور «مجموعه‌ای کامل از فعالیت‌های عملی و نظری است که با آن طبقه حاکم نه تنها برتری خود را توجیه و حفظ می‌کند بلکه سعی در کسب رضایت فعال کسانی را دارد که بر آن‌ها حکومت می‌کند» (Jesson, 1982, p.17).

از دیدگاه نظریه انتقادی، دانش از لحاظ سیاسی، اخلاقی، ایدئولوژیک، ممکن نیست خنثی و بی‌طرف باشد، براین اساس، همواره با دانش به صورت تعصب‌آمیز برخورد می‌شود؛ زیرا مبتنی بر دیدگاه تحلیلی است. نظریه انتقادی با بهره‌گیری از

دانش سعی می‌کند تا چهره سلطه جهانی شمال غنی را بر جنوب فقیر آشکار کنند (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴).

باید در فرایند نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل مفاهیم را به نحو صحیح فصل‌بندی کرد، به گونه‌ای که جهت رهاسازی باشد. نظریه انتقادی درصدد آزادی‌سازی انسانیت از ساختارهای سرکوب‌کننده سیاست و اقتصاد جهانی است که تحت کنترل قدرت‌های هژمون قرار دارد. این نظریه راه را برای تحلیل کشورهای فقیرتر و حتی مردمی که ویژگی زندگی‌شان فقر است، ترسیم می‌کند و در پی ظهور اشکال جدید از روابط سیاسی بین‌المللی است که طی آن کلیه انسان‌ها بر اساس اصل مساوات در همزیستی با یکدیگر به سر برند (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷).

به‌طور خلاصه، نظریه انتقادی در مورد به چالش کشیدن امور چالش‌ناپذیر و رهایی انسان بحث می‌کند. در به چالش کشیدن اصولگرایی واقع‌گرایی که مفروضات اصلی آن برتری دولت و دولت قدرتمند است، نظریه انتقادی راه را برای تحلیل کشورهای فقیرتر و حتی مردمی که ویژگی زندگی‌شان فقر است، باز می‌کند. اهتمام رهیافت فرانوگرایی چندان متفاوت از این امور نیست.

۲-۲. محیط‌شناسی

نظام بین‌الملل به مجموعه بازیگران بین‌المللی (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی) و روندهای جهانی (اتحادها، انقلاب‌ها و جنبش‌ها) گفته می‌شود که هر یک در ارتباط منظم با یکدیگر الگوی رفتاری خاصی را ایجاد می‌کنند که مبنای تحلیل کارکرد و پویای نظام بین‌الملل است (موسوی، ۱۳۸۴، ص ۲). این متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل که هرگونه تغییر در هر یک به تغییر در سیستم منجر می‌شود و در غالب کنش و واکنش بین نظام و محیط است که نهاده به داده تبدیل می‌شود و رابطه بین کنش و واکنش است که سیاست بین‌الملل در چارچوب روابط مسالمت‌آمیز، رقابت‌آمیز یا تعارض‌آمیز تعریف و تبیین می‌شود. هر نظام از چند ویژگی مهم ترکیب یافته است که عبارت‌اند از:

۲-۱-۲. مرز جغرافیایی و فرهنگی خاص

نظام بین‌الملل حاصل دنیای دو قطبی با قطب‌بندی کشورها درون چارچوب‌های ائتلافی و اتحادی وابسته به خود با عنوان دو پیمان ورشو و ناتو گاهی اختلافات بینابین را با تقسیم منافع و مناطق استراتژیک (همچون خلیج فارس) حل نموده و حال اگر کشوری (به‌ویژه با موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک) این نظم را به چالش می‌کشد و خواستار عدول از قواعد و هنجارهای حاکم بر ساختار نظام دوقطبی می‌بود، با ابزارهای مختلف سعی در کنترل آن می‌نمودند، انقلاب اسلامی با ساختار شکنی چنین نظامی را ظالمانه و نامطلوب می‌دانست.

از دیدگاه انقلاب اسلامی منافع ملی، امنیت، اتحاد و ائتلاف، موازنه قوا، حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی همه الگوهایی برای تسلط و کنترل جنبش عدالت‌خواه و حق‌طلب هستند. از این رو، امام (ره) با سازمان‌های بین‌المللی که در صدد تحکیم جایگاه قدرت‌های بزرگ و تحمیل قواعد ظالمانه خود هستند، مخالفت می‌نمایند. ایشان بیان می‌دارند: «شورای امنیت همه این‌ها در خدمت ابرقدرت‌ها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست و لذا برای خودشان حق و توفیق قرار می‌دهند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۷۰).

تحلیل نظام بین‌الملل در دهه هشتاد قرن بیست بر اساس قاعده نظری سیستم نظام بین‌الملل بوده به نحوی که گروهی از بازیگران نظام بین‌الملل گرد هم جمع شده و بر اساس جایگاه بازیگران، روابط خود را سامان‌دهی می‌نمودند و این بدان معناست که بازیگران تعاملات خود را برحسب میزان قدرت و توانمندی‌های دیگر بازیگران (بازی استراتژیک) تنظیم می‌نمودند.

سیر گذار استراتژی و پارادایم حاکم بر روابط بین‌الملل با فروپاشی نظام دوقطبی از سیستم بین‌الملل به جامعه بین‌الملل نمودی از تغییر نظام از حالت جنگ سرد به نظم نوین جهانی بود. مکتب جامعه بین‌الملل، تکیه بر ابعاد غیرمادی و گفتمانی روابط بین‌الملل و تأکید بر نقش فرهنگ، هنجارها و قواعد، نگاه تاریخی و تفسیری به واقعیات بین‌المللی، پرهیز از شیئیت‌انگاری در مطالعه روابط بین‌الملل و توجه به ابعاد هنجاری حیات سیاسی بین‌المللی، موضعی میانه در مباحث فراتر از شکل داده است

(مشیرزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸). واشینگتن به عنوان حامی نظم نوین جهانی نمی‌خواهد متکی به بازیگری خود باشد بلکه سعی آن دارد با تبدیل قدرت به قواعد و مقررات، اصول خود را درونی کند. اصولاً زمانی قادر به ایجاد قواعد و مقررات هست که دارای ارزش‌ها و هنجارهای نسبتاً قابل قبول باشیم، به همین دلیل است آمریکا سعی در تثبیت ارزش‌ها و هنجارهای غربی و لیبرال مردم‌سالاری غربی خود دارد تا به دنبال جهانی کردن این ارزش‌ها بتواند قواعد و مقررات مبتنی بر همین ارزش‌ها را در دستورکار سیاست بین‌الملل قرار دهد. به همین دلیل نظم اسلامی مورد نظر انقلاب اسلامی و هنجارها و ارزش‌های حاصل از آن را لیبرال-دموکراسی غرب نمی‌توانست برتابد.

انقلاب اسلامی با رویکرد انقلابی مبتنی بر نظم عدالت‌محور با حمایت از طرح امت واحده و حمایت از مستضعفان و دفاع از جنبش‌های رهایی‌بخش نظام قدرت‌محور و تفکر غالب آن رئالیسم را به چالش طلبیده و هسته‌های پارادایم حاکم بر نظام بین‌الملل را همچون قدرت، منافع ملی و حفظ وضع موجود را تضمین‌کننده حقوق اغنیاء و تداوم بخش تسلط آن‌ها می‌داند.

انقلاب اسلامی ضمن گریز از ابزارانگاری انسان، وظیفه دولت‌ها را کمک به رشد و تعالی بشر می‌داند و ایده امت‌محور می‌تواند برخلاف ملیت، نژاد، زبان، جغرافیا، محور، ضمن رفع تعارضات حاصل از ملی‌گرایی و مرزهای مناقشه‌ساز رویکردی نوین باشد بر رفع تناقضات درونی که نظم وستفالی دارا بوده است.

۲-۲. نظم حاصل از نظام دوقطبی در چارچوب تفکر موازنه قوا

دو قطب به تقسیم کشورها، ایجاد منطقه نفوذ و ستیز برای کسب مناطق استراتژیک می‌پرداختند و نظریاتی همچون بازدارندگی، سد نفوذ، دومینو و سازمان‌هایی چون ورشو، ناتو، سنتو و سیتو را شکل داد. آمریکا با دکترین سد نفوذ و با ابزاری همچون ناتو، سنتو و سیتو سعی در مهار شوروی سابق را داشت و شوروی با حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخشی و تبلیغ کمونیسم سعی در عقب راندن نظام سرمایه‌داری می‌نمود.

حال از نقش استراتژیک ایران در این بازی به‌عنوان یک متحد آمریکا چه در بعد امنیت خلیج فارس (طرح دوستونی نیکسون) چه در غالب فرایند موازنه قوا اعراب و اسرائیل و چه در غالب دکترین مهار کمونیسم و زنجیره امنیتی ناتو، سنتو، سیتو به حول شوروی می‌توان به حساسیت آن در این منطقه و نقش ایران در معادلات امنیتی بین دو ابرقدرت پی برد.

انقلاب ایران و رویکرد نه شرقی- نه غربی آن، خروج از سنتو ۱۳۵۷، لغو پیمان دفاعی ایران و آمریکا ۱۳۵۸، لغو مواد ۵ و ۶ معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی باعث به هم خوردن معادلات امنیتی منطقه شد. به‌صورتی که سنتو فرو پاشید. کارتر با دکترین خود با ایجاد نیروهای واکنش سریع و پایگاه‌های نظامی در منطقه و ایجاد یک رشته موافقت‌نامه‌های نظامی- امنیتی با کشورهای منطقه سعی در جایگزینی سنتو و نقش ایران در طرح نیکسون داشت (مجرد، ۱۳۸۶، صص ۱۷۵-۱۶۹).

نظام ارزشی محرک در انقلاب اسلامی باعث رفتارهای متفاوت در الگوی رفتاری جمهوری اسلامی شده است این الگوهای رفتاری با طیفی از تعامل تا تقابل در نوسان است. تحلیل انقلاب اسلامی ایران در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌المللی رخ داد. این انقلاب ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت و همچنین فعال شدن تفکر دینی در عرصه سیاسی ایران ریشه در ناکارآمدی و وابسته بودن حکومت‌های وقت داشته است (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، ص ۶۹). به‌صورتی که کسینجر، شیعه، بنیادگرایی اسلامی، انقلاب ایران و شوروی را به‌عنوان عامل تهدید کشورهای خلیج فارس را به آن‌ها گوشزد می‌کند (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵).

جمهوری اسلامی ایران با رویکرد نه شرقی- نه غربی و گسترش همکاری با کشورهای جهان سوم، صدور انقلاب، رویکرد اتحاد امت اسلامی، کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش ضدیت با منطق زور و استثمار و مخالفت با اسرائیل نظامی را مورد نظر داشت که فراتر از دیدگاه حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل بود به همین خاطر روند انقلاب اسلامی به‌دلیل رویکرد آرمان‌گرای ارزشی آن، آن را نمی‌توان با نظریات قدرت

محور نظام بین‌الملل تحلیل و تبیین کرد و این عامل بر عدم امکان پیش‌بینی فرایند سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران صحنه می‌گذارد.

۲-۳. ساختار روابط بین‌الملل

ساختار روابط بین‌الملل یکی دیگر از متغیرهای مستقل و عناصر عمده نظام بین‌الملل است که عبارت است از روابط نهادینه شده در بین بازیگران در مدت زمان طولانی. از مشخصه‌های ساختار نظام بین‌الملل قرن بیست، جهان دوقطبی و جنگ سرد است که نظام دوقطبی محذورات خاصی را بر واحدها، حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی تحمیل کرده و آن‌ها را در دو بلوک ایدئولوژیک سازمان داده بود، ضدیت دو قطب میدان مبارزه را نیز به کشورهای جهان سوم کشاند، هرچند فرایند جهان‌سوم‌گرایی جنبش عدم تعهد مسیری بود برای گریز از جنگ قدرت بین دو ابرقدرت ولی به دلیل اینکه در چارچوب نظام دوقطبی تعریف شده بود، نتوانست قطب سومی را شکل دهد.

همچنان‌که روندها بر حسب ابعاد انسان، در حوزه‌های مختلف جریان می‌یابد، می‌توان ساختارهای گوناگونی به تعداد ابعاد انسانی تصور نمود. لازم است تصمیم‌گیرندگان با توجه به شرایط موجود در نظام قانونمند بین‌الملل و ساختارهای ذکرشده ارائه طریق نمایند. از دیدگاه امام خمینی (ره) یکی از موارد «مهم ساختاری، ایجاد ساختار روانی است که مستلزم تصمیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۱۰)، و «عزم، خودیابی و کسب استقلال روحی» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۲۲۲)، «واحدهای مرعوب برای مقابله با ایجادکنندگان ساختار ارباب در نظام و روابط بین‌الملل است تا ساختار اطمینان و آرامش جایگزین ساختار ارباب گردد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۲).

ساختار نظام بین‌الملل با به چالش کشیدن سیاست تجدیدنظرطلبانه جمهوری اسلامی سعی کرد چه با ابزار تحریم، چه با جنگ (عراق و ایران)، چه کودتا (نوزه) و چه محاصره اقتصادی - نظامی با ایجاد انزوا جلوی انقلاب و صدور آن را سد نماید. ابزار تحریم، جنگ، جنگ روانی و فشارهای سیاسی - رسانه‌ای نمود فشار ساختاری است که به آرمان‌های انقلاب وارد می‌شود.

غرب با تشنج‌آفرینی در روابط ایران با کشورهای همسایه و تبلیغ مسموم ضد وجهه بین‌المللی انقلاب اسلامی تحت عنوان حامی تروریسم، کشور یاغی، محور اهریمنی (شرارت) طرف ثالث را به موضع‌گیری امنیتی در قبال انقلاب می‌کشاند که نمونه آن را می‌توان در ماهیت شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، طرح حلال بحران برژنسکی، طرح حلال شیعه، امنیتی کردن، حضور نظامی در منطقه و ایجاد رقابت تسلیحاتی برای ایجاد فضای تقابل و تضاد در منطقه تجسم نمود. و می‌توان برای مقایسه انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل، مؤلفه‌های (جدول ۱) را مشاهده کرد.

جدول ۱. مقایسه مؤلفه‌های نظام بین‌الملل و انقلاب اسلامی ایران

ردیف	پارامترها	نظام بین‌الملل	انقلاب اسلامی ایران
۱	اهداف	حفظ وضع موجود	تغییر وضع موجود (صدور انقلاب)
۲	استراتژیک	اتحاد و ائتلاف	عدم تعهد (نه شرقی نه غربی)
۳	بازیگر	دولت - کشور (ملت - میهن)	امت - ام‌القری
۴	منافع	منافع ملی	منافع دینی اسلامی
۵	گفتمان (نگرش فلسفی)	رنالیسم - ماده محور	ایدئالیسم - ارزش محور
۶	قاعده بازی	تضاد و تقابل (حاصل جمع جبری صفر)	تأکید بر عدالت - همکاری متقابل (حاصل جمع جبری غیرصفر)
۷	حقوق و حاکمیت	منبعث از مردم - حکومت جمهوری	مبعث از خدا (سنت و قرآن) - حکومت اسلامی
۸	ساختار	قطب‌گرایی	تعامل و گفتگو
۹	هویت	ملی (ملی‌گرایی)	دینی (جهانگرایی جهانشمول)

منبع: تلفیقی از: دهشیری، ۱۳۸۰، صص ۲۸۷-۳۰۰، قوام، ۱۳۸۱ و سیف‌زاده، ۱۳۸۳

تعامل با ساختار نظام بین‌الملل ناشی از ایستارها و باورهای است که رفتارها را در قالب حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود شکل می‌دهد. تمایز رفتار در صحنه بین‌المللی تا حدی از تفاوت ایدئولوژی و گفتمان‌های حاکم است و در چارچوب ایدئولوژی اسلامی و هویت اسلامی است که انقلاب اسلامی به نظام بین‌الملل می‌نگرد. انقلاب اسلامی با نگاه اسلامی نظام بین‌الملل را نه مرکب از کشورها بلکه متشکل از ایدئولوژی‌ها می‌داند و قائل به معیار تقوا برای سنجش انسان‌هاست و در بعد سیاسی با ترسیم مرز عقیدتی دارالاسلام و دارالکفر یا استکبار و استضعاف رویکردی جهان‌شمول را خارج از راهکار جهانگرایی امپریالیستی پی می‌گیرد که هدف خود را امت واحده اسلامی و نظام جهانی اسلام تعیین می‌نماید.

۳. گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی

اصول را باید در رابطه با اهداف، هنجارها را در رابطه با رفتار، قواعد ابزار عملیاتی هنجار و اصول و رویه‌های اعمالی است که هنجارها و قواعد را اجرا می‌کند (عسگرخانی، ۱۳۸۶، ص ۶۹). از اصول و ارزش‌های نظری و اهداف انقلاب اسلامی می‌توان به استقلال (نفی سبیل)، آزادی، عدالت جهانی، حق‌طلبی، صلح‌گرایی، استکبارستیزی و تلفیق قدرت معنوی و مادی، حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و آزادی‌بخش، اتحاد امت اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلام می‌توان نام برد. این اهداف و اصول ارزشی که ریشه در اسلام و دیدگاه آن واکنشی در برابر توسعه‌طلبی امپریالیسم و استکبار جهانی است که سعی خود را بر استقلال سیاسی از بیگانه قرار داده است.

حفظ وضع موجود خواسته نظام بین‌الملل است که با هر وسیله و الگوی رفتاری سعی در حفظ آن داشت؛ حال اگر بازیگری سعی در فرو ریختن این ساختار بنماید، خاطی و تجدیدنظرطلب محسوب می‌شود که آن را باید کنترل کرد. تفکر انقلابی برای خود تعهد و رسالتی خاص را قائل است که در پی این رسالت، خواستار تحول، دگرگونی و ایجاد نظم مطلوب خود است که این تعهد قابل تسری به محیط جهانی بود.

۳-۱. طرح سیاست نه شرقی - نه غربی

ایدئولوژی قواعد رفتارهای منطقه‌ای و قواعد بازی بین‌المللی را برای انقلاب اسلامی ترسیم نمود و رفتار سیاست خارجی برگرفته از ایدئولوژی ملزومات خود را ایجاب می‌کند. استکبارستیزی و تلفیق قدرت معنوی و مادی و صلح‌گرایی از جمله اصول انقلابی، انقلاب ایران بود. حفظ وضع موجود چارچوبی را برای پیگیری اهداف ترسیم کرده بود که در این چارچوب هرکسی که به تقابل می‌اندیشد، به‌عنوان تجدیدنظرطلب قلمداد می‌شد و تحت فرامین حقوقی و عرفی سعی در کنترل آن می‌نمودند. موازنه قوا، جهان دوقطبی، بازدارندگی، ائتلاف و اتحاد حکایتی غیرپارادایم قدرت و زور نبود. حال کشورها در این چارچوب چاره‌ای نداشتند جز اینکه یا ساختار آن را پذیرا باشند یا به‌صورت انقلابی سعی در فروپاشی چنین قواعد نماید. انقلاب اسلامی روندی تجدیدنظرطلب بود که قواعد و ساختار نظام بین‌الملل را ظالمانه دانسته و آن را بانی استعمار و تهاجم فرهنگی می‌دانست. «نه شرقی - نه غربی» به‌عنوان تعریفی نوین از قاعده نفی‌سبیل و رویکرد ژئوپولیتیکی عدم تعهد معنایی جز این نداشت که ملت ایران بدون اتکا به شرق و غرب می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های ملی و مذهبی خود استوار باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۹۵).

این رویکرد به‌عنوان بنیادی‌ترین نماد رفتاری ایران با قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شد. طبق این رویکرد، اصل توازن قوا برای حفظ صلح جهانی، نظام دوقطبی و تک‌قطبی مردود، ظالمانه و در راستای منافع قدرت‌های بزرگ قلمداد می‌شد. حرکت از الگوی اتحاد و ائتلاف به ائتلاف‌زدایی و ویژگی شعار نه شرقی - نه غربی انقلاب اسلامی است. اصل نه شرقی - نه غربی هرچند روایتی از اصل عدم تعهد در جنبش عدم تعهد بود، ولی چون که نتوانست به‌صورت آرام نیروی سومی را در مقابل دنیای دوقطبی ایجاد کند، مورد فشار ساختاری قرار گرفت. اتخاذ راهبرد ائتلاف و اتحاد (دوره پهلوی) موجب متکی شدن امنیت و ثبات کشور به ابزار نظامی شد و بنیان ملی امنیت تخریب و باعث عدم توجه به سایر شاخصه‌های توسعه گردید. از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی طرد راهبرد اتحاد (دوره پهلوی) بود؛ زیرا که آن را مهم‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی کشور می‌دانست.

سیاست نه شرقی و نه غربی، عدم تعهد و عدم وابستگی به معنی حفظ منافع ملی کشور در دوران بحران‌هاست و با سیاست انزوا متفاوت است. سیاست انزوا به معنی جدا نگه داشتن کشور از تعاملات جهانی است، درحالی‌که سیاست نه شرقی و نه غربی مدیریت کشور و حفظ منافع ملی کشور در دوران بحران‌های بین‌المللی است. البته به قول هانتز همواره ابرقدرت‌های جهانی در مقابل هر جنبشی در یک کشور در حال توسعه که هدفش کسب استقلال باشد ایستادگی خواهد کرد اگر کشوری بخواهد هژمونی قدرت‌های بزرگ را به چالش بیندازد، می‌خواهد در هر سبکی باشد چه جنبه مذهبی داشته باشد، خواه سکولار از نگاه قدرت‌طلبانه باید با آن مقابله کرد (هانتز، ۱۳۸۴، ص ۸).

۲-۳. طرح راهبرد ام‌القری

طرح ام‌القری با اعلام اینکه ایران به‌عنوان پایگاه مادی و معنوی هرگاه مورد تعرض قرار گیرد، بر همه مسلمین واجب است که از ام‌القری محافظت نمایند. از نظر امام «این الان یک تکلیف بسیار بزرگ است که از همه تکالیف بالاتر است حفظ اسلام در ایران» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۲۲۲). به‌هرحال هدف این دیدگاه نظریه‌پردازی کردن اولویت منافع و امنیت ام‌القری در صورت تهدید حیات و بقای آن بود. اگر بخواهیم پیوند این نظریه با منافع ملی را مدنظر آوریم، باید بگوییم هرچند این نظریه در عمل باعث ارجحیت توجه به داخل کشور و توسعه آن شد و تحول قابل توجهی در دیدگاه‌های سیاسی سال‌های اولیه انقلاب به وجود آورد، ولی این نظریه در راستای منافع ملی نبود؛ زیرا در این نظریه منافع ملی اصالت نداشته است بلکه به این دلیل ام‌القری اهمیت دارد که به لحاظ آینده جهان اسلام، حفظ ام‌القری به‌عنوان مرکز ثقل مذهبی جهان اسلام (نه یک موجودیت سیاسی همچون کشور- ملت) را بر همگان واجب دانسته است. در حقیقت ام‌القری بیش از هر چیز بر مفهوم حکومت اسلامی و مصلحت حکومت نظر دارد و اگر به تحکیم امنیت ملی می‌اندیشد، صرفاً از آن روست که تهدید مرزهای ام‌القری تهدید مستقیم حکومت اسلامی است.

از جمله اهداف ام‌القری تحقق حکومت اسلامی، حمایت از مستضعفان و محرومان و سعی در اتحاد جهان اسلام است در بحث ام‌القری این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد که جهان اسلام یک امت واحده است، امت مردمی است دارای انسجام، جهت و حرکت در واقع ولایت همان هدایت امت توسط ولی و امام است و بنابراین او در قبال تمام امت مسئولیت دارد. ملاک وحدت امت رهبری آن است. کشوری ام‌القری جهان اسلام است که امکان رهبری کل امت را دارد.

لاریجانی بر اساس این نظریه معتقد است ایران ام‌القری است و امام خمینی این مقام را برعهده گرفت رهبری قانونی جمهوری اسلامی ایران و ولایت بر جهان اسلام، بر اساس این نظریه اگر تزاومی بین این دو شأن ایجاد شود، همواره مصالح امت اولویت دارد، مگر هستی ام‌القری که حفظ آن بر همه امت واجب است. در ارتباط با دیالکتیک بین ام‌القری و جهان اسلام همه امت باید از ام‌القری دفاع کند (لاریجانی، ۱۳۶۹، ص ۴۸).

خلاصه نظریه، ام‌القری بر این مطلب است که اگر کشوری در میان بلاد اسلامی ام‌القرای جهان اسلام شود، به‌نحوی که شکست و یا پیروزی آن شکست یا پیروزی اسلام است، در این صورت حفظ آن بر همه واجب است (حقیقت، ۱۳۶۷، ص ۷۱).

۳-۳. طرح گفتمان صدور انقلاب

الگوی رفتاری و سرمشق شدن ایران تنها به‌ظاهر رفتار مربوط نمی‌شود بلکه جنبه هنجاری آن نیز حائز اهمیت است، هنجاری که از آن به‌عنوان راهنما و دستورالعمل استفاده می‌شود. در این حالت هنجار معیاری است که بر اساس آن رفتار اجتماعی ملل تحت ستم شکل می‌گیرد و در اثر تکرار الگوهای رفتاری، کنش اجتماعی آن‌ها ظاهر می‌شود. گراهام فولر برای کلیه کسانی که خواهان تشکیل حکومت اسلامی در کشور خود هستند. امام خمینی(ره) به‌دلیل موفقیتش یک الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است (فولر، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹). صدور انقلاب چه به‌عنوان یک تدبیر چه استراتژی در خارج از مرزهای کشور توانایی آن را دارا بود که به‌مثابه اهرم فشار و

عامل بازدارنده ضد دشمنان و مخالفان جمهوری اسلامی به کار آید و یک دیوار امنیتی برای انقلاب ایجاد کند.

درواقع ایدئولوژی‌ها در چارچوبی هستند که تفسیر خاصی از جهان را به‌منظور عمل بر طبق آن در اختیار انسان قرار می‌دهند. اصولاً دولت‌هایی که سیاست خارجی آن‌ها در چارچوب ایدئولوژی به مفهوم اخص آن تعبیر و تفسیر می‌شود، از تقسیمات جغرافیایی موجود، توزیع قدرت و هنجارهای حاکم بر سیاست بین‌الملل ناراضی‌اند (قوام، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱). نظام سیاسی مبتنی بر ایدئولوژی، قابلیت‌های تحرک فراملی را داراست. انقلاب اسلامی در سال‌های اول، یکی از موارد تأمین امنیت خود را گسترش رابطه با ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از شعارها و نمادهای اسلامی قرارداد و با طرح خط‌مشی اتحاد جهان اسلام، جهان سوم‌گرایی، اعلام حمایت از جنبش مستضعفان و جنبش‌های رهایی‌بخش سعی آن داشت ایدئولوژی خود را جهانی و فراگیر نماید.

کرین بریتون درباره ماهیت جهان شمول انقلاب‌های ریشه‌دار اظهار می‌دارد که انقلابیون در طول تاریخ، همگی کوشیده‌اند که اصول انقلاب خود را ترویج کنند. صدور انقلاب پیامد طبیعی کشور انقلابی است (ترابی، ۱۳۸۴، ص ۱۲). نظریه صدور انقلاب دارای یک رویکرد جهان‌نگرایانه جهان‌شمول است نه از بعد امپریالیسم بلکه از دیدگاهی همچون مخالفت با وضع موجود و ماهیت برون‌مرزی که دارد. امام خمینی (ره) بیان می‌دارند که: «این که ما می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۱۴).

از جمله ابزار صدور انقلاب که در نظریه‌های انقلاب مطرح است می‌توان به تبلیغ، کمک به جنبش‌های اسلامی رهایی‌بخش و آزادی‌بخش، الگوسازی و نمادسازی اشاره کرد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی نقش دولت و سیاست خارجی ایران را تغییر داد، به‌صورتی که جمهوری اسلامی با ترسیم ایجاد دولت مستقل و فعال، مدافع اسلام ناب محمدی، دولت الگو مخالف با وضع موجود، حمایت از عدالت جهانی و حکومت جهانی اسلام رفتار سیاست خارجی خود را مدل‌سازی می‌کند.

ایده صدور انقلاب روشی بود که از همان روزهای نخست استقرار حکومت اسلامی به‌منظور تحقق رسالت جهانی انقلاب اسلامی درخصوص اتحاد مسلمین و ایجاد نظم اسلامی و شکل‌دهی به یک نیروی سوم با عنوان جنبش مستضعفان که از یک سو، مخاطب خود را توده‌ها قرار داد و از دیگر سو، دولت‌ها و شکل‌دهی به امت واحده بوده است. امام خمینی(ره) در این مورد می‌گوید که «ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، دفاع می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۸۰).

طرح صدور انقلاب اسلامی، بیان فریضه جهاد در دو بعد فرهنگی و نظامی، طرح موضوع استکبارستیزی و بیداری ملل مستضعف، بیداری ملل مسلمانان جهان به‌ویژه بیداری ملل حاشیه خلیج فارس به‌سبب اشتراکات فرهنگی و مذهبی و... باعث گردید که اولاً بازیگران عرصه نظام بین‌الملل به جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نیروی برهم‌زننده نظم جهانی بنگرند و ثانیاً در سطح منطقه نیز بسیاری از کشورها که با شهروندان خود رابطه نامنسجمی داشتند، ایران را به‌عنوان یک خطر بالقوه و تهدیدکننده امنیت ملی تلقی کنند (ازغندی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). از نظر اسپوزیتو یکی از اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تأکید شده است، تداوم بخشیدن به انقلاب در داخل و خارج است و این هدفی بود که بیش از سایر اهداف انقلابی، توجه رسانه‌های غربی را به خود معطوف کرد و در دل کشورهای غربی و سران کشورهای اسلامی هراس افکند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

رویکرد انقلابی ایران با عنوان روند انقلاب اسلامی باعث شکل‌گیری جبهه‌ای پیش روی خود شد تا جایی که ضمن تحت فشار قرار گرفتن و سرکوبی جریان‌های اسلام‌گرای ملهم از انقلاب اسلامی، تسلط امنیتی - نظامی آمریکا بر منطقه و حمله رژیم بعث به خاک ایران را در پی داشته که از آن‌ها می‌توان به‌عنوان نمودی از فشار ساختار نظام بین‌الملل یاد کرد. افکار و اهداف جمهوری اسلامی بدین صورت نیروی تهاجمی را در مقابل خود ایجاد کرد. تداوم این وضعیت پس از دو دهه باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران همچنان یک پدیده امنیتی باقی بماند (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، ص ۹۶). به‌دلیل فشار ساختاری ناشی از ساختار نظام بین‌الملل طرح صدور انقلاب

باعث انزوای ایران (مهار یکجانبه و دوجانبه)، تهاجم و همکاری امنیتی با منطقه به وسیله غرب، حمله صدام و همراهی کشورهای عربی با آن و تأسیس شورای همکاری خلیج فارس بود. به همین خاطر با حمله عراق طرح اسلام در یک کشور (ام‌القری) جای صدور انقلاب (امت واحده) را می‌گیرد.

۴. نظریه انتقادی و انقلاب اسلامی ایران

نظریه انتقادی مبتنی بر دیدگاه رهایی‌ساز و رهایی‌بخش، نقد وضع موجود و ترسیم آینده‌ای مطلوب از جهان است، این نظریه با قائل بودن به صلح مثبت، نظریات خردگرا را به دلیل عدم توجه به خشونت ساختاری مورد نقد قرار می‌دهد و از این دیدگاه وجود بی‌عدالتی، تبعیض، نژادپرستی، جامعه طبقاتی، فقر، گرسنگی، بحران‌های محیطی و بهداشتی را حاصل عدم توجه به خشونت ساختاری دانسته و از اینجا به تقسیم قدرت حاصل از ساختار نظام بین‌الملل می‌تازد و آن را عامل بی‌توجهی و تبعیض ضد جامعه جنوب، جهان سوم و سایر گروه‌های حاشیه قدرت می‌داند. نظریه «انتقادی» در پی آزادسازی و رهایی‌بخشی بشر از قیودی است که ساختار روابط بین‌الملل آن‌ها را به ارمغان آورده‌اند و نیز در پی تغییر نگرش و عملکرد دولت‌ها، همچنین خصلتی بازان‌دیشانه دارد. بدین‌روی، می‌توان انقلاب اسلامی را، که بر خلاف ساختار مسلط روابط بین‌الملل و در تعارض نظام دوقطبی در جهان وقوع یافت، مصداقی از آن چیزی دانست که نظریه‌پردازان انتقادی درصدد ارائه آن بودند. همان‌گونه که نظریه «انتقادی» به دگرگونی اجتماعی، چه در سطح داخلی و چه در سطح روابط بین‌الملل علاقه‌مند است، انقلاب اسلامی ایران نیز نظام‌های مارکسیستی و نیز بورژوازی بین‌المللی را به چالش فراخوانده و در زمینه داخلی، بر دگرگونی وسیع اجتماعی صحه گذاشته است. دگرگونی‌های ناشی از انقلاب اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی عبارت‌اند از:

۴-۱. دگرگونی در سطح مناسبات قدرت‌ها با ایران

انقلاب اسلامی ایران به بیش از یکصد سال نفوذ و سلطه قدرت‌های خارجی پایان داد و مردم با تکیه بر شعار «استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی» نفرت و کینه همیشگی خود را نسبت به حضور و نفوذ بیگانگان چپاولگر بروز دادند.

انقلاب اسلامی، ساختار نظام زورگویانه بین‌المللی را متزلزل کرد و قانونمندی آن را، که معتقد بود حق با زور و قدرت است، به هم ریخت و به کشورهای کوچک نشان داد که می‌توان با تکیه بر اراده همه ملت در مقابل همه قدرت‌های تا دندان مسلح دنیا ایستاد و تسلیم نگردید» (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

از منظر رهبران انقلابی، وابستگی شدید رژیم‌های گذشته علت اصلی عقب‌ماندگی ایران در تمامی صحنه‌هاست و همین ساختار نامطلوب داخلی است که اوضاع جهانی را به نفع قدرت‌های با نفوذ و سلطه‌گر فراهم ساخته است. رهبران انقلابی بر این اساس که « (رعد: ۱۱)، تغییر کنش ملت را

امری مقدور و ممکن شمردند و با تأکید بر اصلاحات سیاسی و بنیادین در نظام سیاسی کشور، مخالفت شدید خود را با اوضاع و شرایط تحمیلی ساختار داخلی نظام موجود و به تبع آن، ساختار بین‌المللی روابط اعلام کردند. از دید آنان مبارزه برای رهایی از جبر حاکم بر جامعه و نیز جهاد برای احقاق حقوق از دست رفته، امری ضروری و لازم است. انقلابیان، امپریالیسم را در همه ابعاد آن مورد نفی قرار دادند و به‌طور مشخص، با ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک آن به مبارزه برخاستند. انقلاب اسلامی راهی را در پیش گرفت که به‌هیچ‌وجه در انقلاب‌های گذشته سابقه نداشته و آن اتخاذ دین به‌عنوان محور و مبنای تحولات اجتماعی است. چنین امری در عمل، به معنای خروج از چارچوب‌های تعریف‌شده نظریه‌پردازان انقلاب و روابط بین‌المللی است. بر این اساس، انقلاب اسلامی بر مؤلفه‌هایی همچون قانون الهی، عدالت اجتماعی و استقلال همه‌جانبه از قدرت‌های بیگانه تأکید ورزید.

در یک تحلیل گذرا و موجز سه اصل «معنویت»، «عدالت» و «آزادی» را می‌توان در زمره آرمان‌های بنیادین انقلاب قلمداد کرد. شعار معروف مردم «برابری، برادری، حکومت عدل علی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بر این واقعیت دلالت داشت که جهان‌بینی توحیدی اسلام، اساس تحقق این ارزش‌هاست (خواجeh سروری، ۱۳۸۶، ص ۶). عمده‌ترین شعارها و برنامه‌های عملی رهبران جمهوری اسلامی ایران، تأکید بر مفاهیمی همانند عدالت اجتماعی، قانون الهی، خودکفایی اقتصادی، همبستگی سیاسی، سیاست خارجی مستقل و سیاست عدم تعهد بوده است. در طی سال‌های اولیه

انقلاب، ایران بر جدایی کامل و همه‌جانبه از نظام سرمایه‌داری جهانی تأکید می‌ورزید (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴). بدین‌گونه، نیل به آرامش و امنیت، تعرض با غرب را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ایدئولوژی نظام سیاسی برآمده از انقلابی متکی به حمایت مردم درآورد و بر اساس آن، پیدایش ایستارهای لازم ذهنی در نگرش و رفتار سیاست‌گذاران خارجی را ضرورت بخشید (عطارزاده، ۱۳۸۷، ص ۹۴).

انقلاب اسلامی ایران در پرتو اراده، باورها و ایستارهای مذهبی مردم شکل گرفت و بازتاب گسترده‌ای را در ورای مرزهای خود داشته و در ایجاد اعتماد و بیدارسازی ملل تحت ستم نقش موثری را ایفا نموده است. با پیروزی انقلاب تسلیم شدن در برابر رفتارهای ظالمانه در چارچوب تقدیر و قضای الهی مورد سؤال قرار داده شد (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۶۵). به همین دلیل بسیاری از مسائل و عواملی که از دیدگاه نظریات خردگرا نادیده گرفته و به حاشیه رانده شده با انقلاب اسلامی جان دوباره می‌گیرد. انقلاب اسلامی ضمن اعلام حمایت از مستضعفان جهان و امت واحده معتقد است با فروپاشی اجتماع سیاسی مسلمانان و رشد تفکرات فردگرایانه ناسیونالیستی غرب آنچه برای جامعه اسلامی به ارث ماند، جز تفرقه، جنگ‌های قومی و مشکلات مرزی برای جهان اسلام نبود.

۴-۲. دگرگونی در سطح بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران، از جهات متعددی موجب شگفتی و حیرت جهانیان گردید. انقلاب در زمانی رخ داد که اندیشه حاکم بر قرن بیستم یعنی سکولاریسم، وقوع آن را محتمل نمی‌دانست. انقلابی که بر خلاف سیاست عاری از دیانت جهانی و انقلاب‌های ضد دینی روسیه، چین و کوبا، با مذهب عجین شده و هدف آن احیای تفکر دینی در اداره جامعه بود. از سوی دیگر، انقلاب در مکانی رخ داد که رژیم سیاسی آن به‌عنوان ژاندارم منطقه، بر اساس ساختار ناعادلانه روابط بین‌الملل، از دولت‌های قدرتمند و سرکوبگر آسیا و خاورمیانه به حساب می‌آمد.

انقلاب ایران درصدد نفی کامل ساختار مسلط روابط بین‌الملل و جایگزین ساختن ساختاری جدید با محوریت جهان اسلام بود، آن هم «اسلام حقیقی» که در جهت

آزادسازی دنیای اسلام از سیطره غرب گام برمی‌دارد و در مقابل اسلام آمریکایی است (فولر، ۱۳۷۷، ص ۱۱). از دیدگاه رهبران ایران، امپریالیسم از تمامی ابزارهای ممکن برای استیلا بر مناطق تحت نفوذ خود بهره می‌گیرد. یکی از این ابزارها، به کارگیری دولت‌های دست‌نشانده و مقتدر در مناطق موردنظر است. «رژیم‌های مقتدر، مناسبات دیپلماتیک را ساده می‌کنند. قدرت متمرکز است، تصمیم‌ها به‌آسانی گرفته می‌شود و عوامل پیچیده سیاسی در داخل کشور تا حدود زیادی نادیده گرفته می‌شوند. قدرت‌های خارجی می‌توانند سیاست‌های خود را به قامت خودکامه موردنظر بدوزند. مناسبات نزدیک ایالات متحده با شاه تا اندازه‌ای در این مقوله جای می‌گیرد. حتی در شرایطی که سیاست رسمی ایالات متحده در ایران، آزادی و کثرت‌گرایی بیشتر را تجویز می‌کرد، شاه همچنان مرکز دنیای ایرانی و گره‌گاه اجتناب‌ناپذیری بود که کلیه تحولات از آن می‌گذشت. با سرنگون شدن نظام سلطنتی و ظهور حکومتی غیرمتمرکز در ایران، برای ایالات متحده، برقرار کردن رابطه با این کشور بسیار دشوارتر شده است» (مگداف و کمپ، ۱۳۷۸، ص ۲۹۴).

غرب با ایجاد مرزهای مصنوعی در جامعه اسلامی و رواج دیدگاه ماتریالیستی-رنالیستی خود و با علم کردن هویت‌هایی همچون، دولت-ملت و منافع ملی، باعث به حاشیه رفتن مفاهیمی چون امت، عدالت، مساوات، دفاع از مستضعفان و مظلومان، استقلال، خودکفایی، اخلاق و مذهب شده است و انقلاب اسلامی احیای این مفاهیم و حرکت آن‌ها به سوی عمل را از اهداف راهبردی خود قلمداد می‌کند. انقلاب اسلامی با رد ایده پایان تاریخ و تسلط فرهنگ یکپارچه‌ساز لیبرالی که از روش‌شناسی اثبات‌گرایی حاکم بر غرب نشئت می‌گیرد، معتقد است چاره‌ای جز مبادله فرهنگی و تعامل بینابین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیست و تنها قائل به کاربرد عام و جهانی ارزش‌هایی است که دارای شمولیت عام بوده و بر خواسته از فطرت بشری باشند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک روند شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، ایستارها تشکیل‌دهنده هویت اسلامی ضمن نفی وضع موجود، نظام بین‌الملل را نظامی

قدرت محور قلمداد کرده که برای بقای خود راهی جز استثمار ضعفا ندارد. انقلاب اسلامی با گفتمان نه شرقی - نه غربی سعی در گریز از چارچوب ساختار نظام دوقطبی اتحاد و ائتلاف به سوی عدم تعهد و برای حفظ انقلاب و ترویج اصول انسانی - الهی آن سعی در صدور آن و حفظ ام‌القری را در امتداد پیش حفظ اسلام به عنوان روندی برای ایجاد استقلال و حفظ تمامیت ارضی دانسته و طرح امت واحده برای وحدت و خودداری از تفرقه حول اسلام و هویت اسلامی و تشکیل نظم اسلامی تحت حاکمیت جهانی اسلام و حمایت از مستضعفین لازم می‌داند.

انقلاب اسلامی ضمن مخالفت با ساختار تبعیض‌آمیز و ظالمانه نظام بین‌الملل و رویکرد غالب آن رئالیسم، قوانین، مقررات، سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشر را ابزار سلطه دانسته و معتقد است که این سلطه باعث به حاشیه رفتن مفاهیم و رویکردهایی همچو امت، عدالت، استقلال، اخلاق، مذهب، ارزش‌ها، دفاع از جامعه مستضعفان و مبارزه با مستکبران و... شده است و هدف خود را از حاشیه به متن و صحنه عمل آوردن این مفاهیم و گفتمان‌ها اعلام می‌کند. با توجه به دگرگونی‌های کمی و کیفی در حال پیشرفت، مشخص شد که توان بالای تصمیم‌گیری امام در یک دوره زمانی خاص در نظام بین‌الملل، آنچنان اثرگذار و جهان شمول بود که باعث تغییرات بنیادی در سرنوشت ملت‌ها و دولت‌های معاصر گردید و تبعات سیاسی - اجتماعی بسیاری را در سطح جهان به دنبال داشت و همچنین نشان داد که تداوم و توسعه ملت‌ها در گرو تصمیم و تلاش و اراده انسان‌هاست. امام برداشت‌های نوینی را در عرصه تصمیم‌گیری وارد نمود به طوری که مقام معظم رهبری عصر حاضر را عصر اندیشه‌های پرثمر امام خمینی (ره) برای ملت‌های خواهان استقلال و آزادی معرفی نموده و فرمودند: «این عصر را باید عصر امام خمینی نامید و ویژگی آن عبارت است از بیداری و جرئت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سر برآوردن ارزش‌های معنوی و الهی».

کتابنامه

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه دکتر متقی و پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ادواردز و همکاران (۱۳۷۹)، تحقیق پیمایشی، راهنمای عمل، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه بر خاورمیانه»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.
- ترابی، طاهره (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی ایدئولوژیک»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۴.
- حقیقت، صادق (۱۳۶۷)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- خمینی، امام روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خواجeh سروری، غلامرضا (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۵-۳۵.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ستوده، محمد (۱۳۸۶)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین‌الملل»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶)، ایران و جهانی شدن چالش‌ها و راه حل‌ها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۶)، رژیم‌های بین‌المللی، تهران: ابرار معاصر.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷)، «امنیت‌مداری در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی (ره)»، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۹۳-۱۲۸.

- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)، «چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران»، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۵۷-۱۸۵.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷)، *قبله عالم ژئوپولیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴)، *روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: انتشارات سمت.
- همو (۱۳۸۱)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران: مرکز ترجمه و نشر.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، *مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی*، تهران: نشر دادگستر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- مگداف، هاری و کمپ، تام (۱۳۷۸)، *امپریالیسم*، ترجمه هوشنگ مقتدر، ج چهارم، تهران: موسوی، سید رسول (۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل»، *همشهری دیپلماتیک*، اسفند، شماره ۸۴.
- هانتر، شیرین (۱۳۸۴)، «انقلاب ایران معرف اسلام سیاسی در جهان»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۸۴.

Devetak, R. (1996), "Critical theory" in Burchill, S. and Linklater, A *Theory of International Relations*, London: Macmillan.

Jesson, B (1982), *The Capitalist State: Marxist Theories and Methods*, Polity Press.

Linklater, A (1990), *Beyond Realism and Marxism: Critical Theory and International Relations*, London: Macmillan.